

صنعت نقاشی در ایران

پرویز بنیام



ایرانیان تنها ملت خاور زمین هستند که توانسته اند در هر زمان با بهترین استاد های باختر در فن نقاشی رقابت نمایند . شکی نیست که نقاشان اروپایی فضا و اشیاء آن را مانند نقاشان ایرانی نمیدیدند . اروپائیان در مقابل يك منظره آنچه را که در طبیعت میدیدند بدون تغییر و تبدیل در روی پارچه نقاشی خود نقل میکردند و سعی مینمودند هر قدر ممکن است نقاشی آنها بطبیعت نزدیکتر باشد . نقاشان ایرانی طبیعت را چنانکه میدیدند نقل نمیکرد بلکه آن چنانست که در طبیعت وجود دارند روی صفحات نقاشی خود میآورد . بهترین مثال برای وضوح این مطلب صفحه مصوری است که در اینجا ملاحظه میشود . در این صفحه صنعتگر طبیعت را آنطوریکه دیده نقش تکرار کرده است زیرا در این صورت لازم بود ابتدای جوی و حوضیکه در میان حیاط دیده میشود بزرگتر از انتهای آن باشد و باغچه ها و گلهای آن و آدمهاییکه در جلوی صفحه و باصطلاح در پرده اول نقاشی واقع شده اند نیز بزرگتر از باغچه ها و گلهای و اشخاصیکه در انتهای حیاط اند نقش کردند و همین ترتیب آجر هایی که در مقابل چشم نقاش در پایین صفحه هستند ناچار در طبیعت به چشم بزرگتر از آجر هاییکه دور تر واقع اند بیایند . اما در این صفحه نقاشی اصول نامبرده مراعات نشده مثلاً تمام آجر ها يك اندازه اند زیرا نقاش که میدانست آجر ها همه يك اندازه ساخته شده اند نخواسته است طبق آنچه که در طبیعت بنظر او میآید آجر های جلو را بزرگتر از آجر های عقب نقش نماید . بعلاوه



میدانست که اشخاص همه يك اندازه اند و نمیتوانست خود را راضی نماید که در روی صفحه نقاشی اشخاص جلوتر از بزرگتر از اشخاص عقب منقوش سازد . برعکس بعضی اوقات اگر اشخاصیکه دور تر واقع شده بودند مقام بلند تری داشتند آنها را بزرگتر از سایرین نقش میکردند و بعضی اوقات دیگر در هر يك نقاشی نامبرده مانند این است که فضای كف حیاط را نقاش از بالا و اشخاص را از جلو دیده است .

باین ترتیب استاد نامبرده اشخاص و اشیاء را آنطوریکه در طبیعت وجود داشته اند نقش نموده در صورتیکه در مقابل همین منظره نقاش اروپایی اشخاص و اشیاء را آنطوریکه بنظر او میآید روی پرده نقاشی خود میآورد باین معنی که تمام چیزهایی که جلوتر واقع شده اند کوچکتر از اشیاییکه دور تر واقع شده اند نقش مینماید و هر قدر اشیاء از برابر چشم صنعتگر دورتر باشند و کوچکتر بنظر آیند آنها را همانطور کوچک نقش خواهد نمود . بطرز کار و فکر نقاش ایرانی بهیچوجه نمیتوان ایراد گرفت زیرا چنانکه بنظر میآید این انحراف از قواعد فیزیکی در نتیجه عدم قدرت او در بیان مناظر و مرایا بوده چه منظور و سلیقه او بامنظور و سلیقه نقاش اروپایی تمایز داشته و اگر هدف نقاشی عکس برداری از طبیعت نباشد و قصد صنعتگر فقط ایجاد اشکال زیبایی باشد که چشم از آن محفوظ گردد باید اعتراف نمود که سلیقه نقاش ایرانی کمتر از سلیقه نقاش اروپایی بوده است .

در بسیاری از پرده‌های نقاشی اروپائی عصر حاضر بهیچوجه مطابقت با طبیعت مراعات نشده و با این حال پرده های نامبرده جزو شاهکار های صنعت نقاشی

شمرده میشوند . بعلاوه در بعضی از صفحات نقاشی ایرانی مشاطر طبیعی بطور صحت و مطابق اصولیکه در اروپا معمول بوده نقش گردیده است . یکی از بهترین نمونه های اینگونه نقاشی صفحه ایست بامضای استاد محمدی که تاریخ کار آن ۹۸۹ هجری میباشد . در روی این صفحه تمام جزئیات طبیعت با کمال دقت نقش گردیده و هیچ چیز فراموش نشده و حالت اشخاص با کمال صحت بیان گردیده است . زارعی مشغول شخم زمین است و در عین حال با مرد سر برهنه ای که در کنار درختی نشسته مشغول صحبت میباشد ، انسان وقتی بصورت این دو مرد نگاه میکند مانند این است که مطالبی را که بین این دو ردوبدل می شود می شنود زیرا از قیافه هر کدام احساسات درونی آنها بخوبی پیدا است .



که سیاه قلم های او بمنزله شاهکار های صنعتی ایران شمرده میشود . بطوری که آقای میژون خاورشناس معروف فرانسه درباره این نقاشی می نویسد سیاه قلم های او با بهترین سیاه قلمهای ایشگر نقاش بزرگ فرانسوی برابری مینماید . در یکی از سیاه قلم های این استاد بانوئی دیده میشود که مشغول دوزندگی است و از سر تاپای او از خطوط ساده منحنی تشکیل شده . البته واضح است در نقاشی خطوط منحنی زیباترین خطوط شمرده میشوند و همین علت ظرافت و زیبایی این صفحه نقاشی که برای نقش آن بیش از چند خط ساده بکار برده نشده از قوه بیان خارج است . دو نقش دیگر این استاد در بر گهای این نامه دیده می شود که دارای خصایص نامبرده بالا میباشد و بترتیبی که اشاره شد از خطوط ساده و منحنی بوجود آمده اند و در نقش موهای بانوئی که گلدانی بر دست دارد و ریش پیرمردی که به چوب دستی خود تکیه داده نیز مهارت فوق العاده بکار برده شده است .

ولی نقاشان ایرانی منحصر با استاد محمدی و رضای عباسی نبوده اند کارهای آنها نیز باین چند برگ نقاشی تمام نمیشود . امید است در شماره های آینده چند نقاشی بزرگ دیگر ایرانی و کار های آنها را به خوانندگان این نامه معرفی نمائیم .

کمی دورتر مرد دیگری مشغول بریدن شاخه های درخت میباشد و از زیر چشم بآن دو مرد دیگر نگاه کرده لبخند مخصوصی میزند . در پایین صفحه شخصی کوزه آبی در دست دارد و مشغول برداشتن آب از چشمه میباشد . کمی پایینتر دو خیمه دیده میشود که در داخل آن زنها مشغول رسیدن بلبو کارهای دیگر خانگی میباشد . در یک طرف شخص دیگری مشغول شکار حیوانات

میشود . در این صفحه نقاشی استاد تمام جزئیات طبیعت را با کمال دقت تعبیر نموده و حتی بر تنه گالی را که در بالای درخت لانه کرده اند نقش کرده است . استاد محمدی مآئید

استادش سلطان محمود از نقاشان معروف آذربایجان مشهوره مشهوره بوده و از بعضی جهات هنرهای وی شباهت با استاد معروف کمال الدین بهزاد دارد . صفحه دیگری از این استاد که در بر گهای این نامه دیده میشود نیز از مهارت او در نقاشی حکایت مینماید .

نقاش معروف دیگری که در زمان شاه عباس بزرگ میزیسته رضای عباسی است

